

منازعات فرقه‌ای ری در عصر سلجوقیان

علی فتح قبادپور جهان آباد، استادیار دانشگاه پیام نور کهگیلویه و بویراحمد(نویسنده مسئول)*
حسین مفتخری، استاد گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

چکیده

پژوهش پیش رو، در پی آن است تا به روش تاریخی و بر پایه اسناد و مدارک تاریخی و منابع کتابخانه‌ای به بررسی و تبیین منازعات فرقه‌ای در ری عصر سلاجقه بپردازد و پاسخی به این پرسش که چالش‌ها و تعارضات فرقه‌ای میان چه گروه‌هایی بوجود آمده و چه پیامدهایی را به دنبال داشته است؟ در شهر ری، از یکسو پیروان تسنن با حمایت حاکمان و وزرای سلجوقی در اکثریت و اولویت قرار داشته و با شیعیان از گروه‌های مختلف در تضاد و آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و در نقطه مقابل، دیدگاه و تفکر شیعیه امامیه و اسماعیلیه حضور داشته و توسط سلاطین سلجوقی متهم به رافضی می‌شدند. بر اساس یافته‌های حاصله، گسترش مجادلات فقهی و کلامی، تالیف کتب و رساله‌های متعدد در اثبات یا رد عقاید و دیدگاه‌های فرقه‌ای، رکود معتزله، و گسترش صوفی‌گری از مهمترین پیامدهای این تعارضات می‌باشد.

واژگان کلیدی: منازعات مذهبی، سلجوقیان، شیعه، حنفی و شافعی، ری.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۳

*E-mail: alighobadpor@yahoo.com

مقدمه

ری یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است، که تاریخ شکل‌گیری و سکونت در آن به دوران قبل از اسلام بر می‌گردد؛ از همین روی اقوام و گروه‌های متعدد با افکار و اعتقادات متفاوت در آن سکونت داشتند. با ورود اسلام به ایران و شکل‌گیری فرق اسلامی جمعیت زیادی از مسلمانان وارد این شهر شدند، که در برخی اوقات با هم در تضاد و تعارض به سر می‌بردند. با تأسیس دولت آل‌بویه در ایران و حمایت از گروه‌های شیعی بسیاری از شیعیان در ری مستقر شدند، اما با روی کار آمدن سلجوقیان در ایران، شرایط جدیدی در فضای اجتماعی شهرها و از آن جمله شهر ری ایجاد شد. لذا دوران پرنوسانی همراه با چالش و تحولات مذهبی بوجود آمد و به تدریج منجر به سامان‌یابی مناسبات اجتماعی بر اساس اولویت اعتقادی گردید. در بررسی پیشینه‌ی موضوع، می‌توان به آثاری چون؛ تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان اشاره کرد، اثری که به صورت مختصر نکته‌هایی در این زمینه آورده و به برخی نواحی شیعه مذهب ایران بدون پراکندگی جغرافیای انسانی فرق اسلامی اشاره دارد. سلجوقیان ستارزاده (۱۳۹۸)، دولت سلجوقیان حلمی (۱۳۹۰) از دیگر آثار در این زمینه هستند، که دارای اطلاعات ارزشمند، اما در مورد منازعات گروه‌های مذهبی و سیاسی این دوره ناقص و فاقد جامعیت محسوب می‌شوند. همچنین مقاله‌های، «سلجوقیان، اختلافات مذهبی و پیامدهای آن» و «وضعیت فرهنگی شیعه امامیه در ایران عصر سلجوقی» و «دین در دوره سلجوقی» تنها به چگونگی اختلافات و تعاملات جریان‌های مذهبی با یکدیگر می‌پردازد. از پایان نامه‌ها، می‌توان به وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعه در عصر سلجوقیان و اوضاع اجتماعی ری از برآمدن سلجوقیان تا هجوم مغول اشاره نمود. بر این اساس برای پرداختن به موضوع مورد نظر و واکاوی آن از زاویه‌ای جدید و با بررسی منابع معتبر (راحه الصدور راوندی، معجم البلدان یا قوت حموی، مروج الذهب مسعودی، سلجوقنامه ظهیری، الکامل ابن اثیر و ...) پژوهش شکل گرفته است.

تعارضات ایدئولوژیک مذهبی تشیع و تسنن

از نظر بافت جمعیتی و مذهبی شهر ری همواره از گروه‌ها و دسته‌های متعددی تشکیل شده بود، که در مواردی با یکدیگر در تعارض و گاهی نیز در تعامل به سر می‌بردند و بنا بر قدرت اجتماعی و نفوذ سیاسی‌شان در بافت جمعیتی و عرصه زندگی شهری تاثیر گذار بودند. بنابراین در ری اختلافات مذهبی شیعه و سنی مشهودتر و در دو سطح خواص و عوام شکل گرفت. علما و اندیشمندان هر دو گروه به عنوان خواص، ضمن وعظ و مناظره با یکدیگر در قالب ردیه نویسی، مناقب یا مثالب نگاری و نگارش

کتاب ملل و نحل و موارد اختلافی به چالش با عقاید و نظرات یکدیگر می‌پرداختند. با انعکاس مناظرات و ردیه نویسی‌ها در میان لایه‌های پایین و میانه‌ی اجتماع، پیروان فرق و مذاهب علیه یکدیگر به صف‌آرایی پرداخته و بدین ترتیب حاصل اقدامات خواص در جامعه باعث بروز مجادلات و مناقشه‌های متعدد بین عوام گردید. لذا برای یافتن علل این اختلافات لازم است، به تشریح اوضاع مذهبی در ایران پیش از ظهور سلجوقیان توجه داشته باشیم.

در سده چهارم هجری در ایران مذاهب و فرقه‌های تسنن (حنفی، شافعی و حنبلی) وجود داشت و شیعیان امامیه و زیدی نیز جمعیت چشمگیری داشتند، اسماعیلیه تا دورترین نواحی ایران به تبلیغات گسترده در باب تفکرات و اعتقادات مذهبی خویش می‌پرداخت. افزون بر آن، حضور فرقه‌های کرامیه (باسورث، ۱۳۶۲، ج ۱، ۹۱-۱۸۷) و خوارج در برخی از مناطق ایران را نمی‌توان نادیده گرفت (باسورث، ۱۳۶۲، ج ۱، ۹۱-۱۸۹) و تصوف در خراسان از پایگاهی مهم و مقبولیت زیادی برخوردار بود. نزاع و کشمکش‌های گسترده در میان معتقدان به مذاهب مختلف اسلامی و فرقه‌های مربوط به آنان از مهمترین ویژگی‌های مذهبی سده چهارم هجری بود. سلجوقیان که در نیمه نخست سده پنجم هجری ایران را به تصرف درآوردند، با مذاهب و فرق متعددی روبرو شدند و با وجود تعصبات مذهبی در نخستین سال‌های استقرارشان در خراسان به رقابت و مجادلات مذهبی و فرقه‌ای توجه و حساسیت چندانی نداشتند. اما نیاز به انطباق یا تعدیل رفتار سازمانی - ایلی سلجوقیان با الگوی نهادهای حکومتی متمرکز موجب شد، که از دیوان سالارانی که در گذشته با سامانیان و غزنویان همکاری داشتند، یاری جویند. بدین ترتیب با ورود عناصر دیوان سالار، علما و فرهیختگان خراسانی، اختلافات و جناح بندی‌های مذهبی، متعاقب آداب ملک‌داری و دیوان‌سالاری وارد سازمان حکومتی سلجوقیان شد. (قلیزاده، ۱۳۸۸، ۲۱۵)

ترویج درگیری‌های مذهبی و رسالت سلاطین سلجوقی به عنوان حامیان مذهب سنت در برابر تهدید مذاهب دیگر مانند اسماعیلیه سبب ورود آنها به این چالش‌ها گردید. حکومت سلجوقی از لحاظ تئوری مبتنی بر شریعت بود، (لمبتن، ۱۳۷۲، ۳۲۸) لذا سلجوقیان که پیرو مذهب حنفی و پشتیبان علمای آن بودند (راوندی، ۱۳۶۴، ۱۸؛ حلمی، ۱۳۹۰، ۱-۱۵۰) در راستای گسترش مذهب حنفی و سرکوب مخالفان عقیدتی خود به این مسئله ورود کردند. امری که موجب واکنش معتقدان به سایر مذاهب اسلامی حتی در میان کارگزاران بلندپایه دیوان سلجوقی گردید. تأسیس مدارس نظامیه با هدف تربیت عناصری با اعتقادات مذهبی شافعی از دیگر مواردی بود، که موجب تشویش افکار بزرگان معتقد به مذاهب دیگر به ویژه شیعیان گردید. اختلافاتی که نخست در میان عناصر بلندپایه حکومتی بروز

یافته بود، به مرور به چالش میان عوام منجر گردید و مناظرات مذهبی، که در میان خواص به صورت تألیف کتاب‌هایی در اثبات حقانیت مذهبی خاص و ردیه بر مذهب یا مذاهب دیگر بود به درگیری‌های خشونت آمیز و کشتار معتقدان به مذاهب مختلف اسلامی انجامید. در ذیل تعارضات مذهبی بین دو گروه تشیع و تسنن را در دو قالب برخوردها و مناظرات نظری و سیاسی بیان خواهیم نمود.

برخوردها و مناظرات نظری

در آغاز حکومت سلجوقیان به ویژه در زمان نخستین سلاطین، بر فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی جامعه نظارت شدیدی اعمال می‌شد، با توجه به گرایش حکومت و حمایت از فرقه‌های حنفی و شافعی، سایر فرق و عمدتاً فرقه‌های شیعی و جریان فکری معتزله تحت فشار قرار گرفتند. اما در قرن پنجم هجری و بعد از آن، نظارت اجتماعی و فرهنگی بر جامعه کاهش یافته و دوره‌ای از رویارویی آشکار مخالفان مذهبی با یکدیگر را سبب شد. در این دوره، بر خلاف آغاز حکومت سلاجقه نه تنها حمایت مؤثری از مذهب حنفی و شافعی صورت نگرفت، بلکه حمایت‌ها کاهش و کمتر گردید و فضا برای فعالیت جریان‌های مختلف مذهبی و عرفا در جامعه مهیا شد (راوندی، ۱۳۶۴، ۳۰؛ قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۳۴) و تعدیل نفوذ فرق حنفی و شافعی سبب افزایش نفوذ شیعیان امامی در ساختار سیاسی و اداری حکومت شد. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۵۲) در نتیجه رویارویی فرق مختلف شدت یافت و گروه‌ها از ابزارهای متعددی برای حذف یکدیگر از صحنه سیاسی و اجتماعی بهره بردند و از ردیه‌نویسی، مناقب‌خوانی و فضایل‌خوانی به عنوان ابزارهای مؤثر برای حذف رقیب به کار گرفته شد. اقدامات مناقب و فضایل‌خوانان باعث تشدید اختلافات و مناقشات فرقه‌ای و مذهبی شد و نگارش ردیه‌نویسی را در پی داشت. آثاری که با هدف رد آراء و عقاید طرف مقابل و از طریق بر ملا کردن رسوایی‌ها و فضیحت‌های آنان نوشته می‌شد و پیش از آن نیز وجود داشت. راوندی در رد «فضیله المعتزله» جاحظ بصری، اثر «فضیحه المعتزله» را به جانبداری از تشیع نوشت و (حلبی، ۱۳۸۴، ۵۷۹) بغدادی در رد آرای شیعیان اسماعیلی کتاب «فضایح الباطنیه» را نوشت. (غزالی طوسی، ۱۳۶۲، ۱)

در نقطه مقابل شیعیان نیز با تألیف کتاب‌هایی در باب آراء و عقاید مذهب شیعه امامیه در راه ترویج مذهب خود کوشیدند. (ابن بابویه رازی، ۱۳۶۶، ۱۲۱، قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۴۷۵، نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۸-۳۰۶) «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض» توسط قزوینی رازی با هدف شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی و در جواب کتاب «بعض فضائح الروافض» اثر شهاب الدین تورایخی شافعی که به رشته تحریر درآمد. (قمی، بی تا، ۲۲۳) مطالعه کتاب نقض عمق ناسازگاری شیعه و

سنی، رقابت گسترده فرق و مذاهب اسلامی و مرزبندی شیعه اصولیه با اسماعیلیه و دیگر مذاهب را مشخص می‌کند و می‌گوید: «هر سخنی را از اخباری یا حشویی یا غالبی به شیعه امامیه بستن، غایت بی‌امتی و نامسلمانی باشد». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۲۳۵) و در جایی دیگر از تفاوت‌های شیعه امامیه با اسماعیلیه سخن گفته است و چنین آورده؛ «لغت همه شیعه بهره ملحدان، متولدان و تعلیمیان باد». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۹۹) ابوالمعالی محمدبن عبیدالله از علمای شیعه کتابی به نام بیان اللادیان نوشته است، که جامع کتب قدیم و مهم زبان فارسی در ملل و نحل است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ق، ۸-۳۰۶) نگارش کتب فوق نشانگر آن است، که در عصر حاکمیت سیاسی و مذهبی اهل سنت، علمای شیعه به مقابله و پاسخ‌گویی به آثار چون سیاست‌نامه، فضایح الباطنیه، الملل و النحل و بسیاری دیگر از کتب اهل سنت برآمده‌اند و علی‌رغم آن که شیعیان تحت فشار بودند؛ اما علما و اندیشمندان آن‌ها به خوبی در تکامل این مذهب کوشیدند و جلسات بحث، مناظره و نقد برگزار می‌کردند.

کشمکش‌ها و تعارضات سیاسی

در آغاز حکومت سلجوقیان، حکام محدودیت و سخت‌گیری‌های زیادی بر شیعیان قائل و به آزار و اذیت آن‌ها می‌پرداختند. شدت نظارت دستگاه حاکمه و اتهام ارتباط با اسماعیلیان سبب گردید، تعدادی از شیعیان به زندگی مخفی و یا اعلام براءت از اسماعیلیه روی آورند (نجاشی، ۱۴۰۷، ۱۵، قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۱۵۲). در این دوره پیرامون رقابت و تعارضات گروه‌های شیعی و سنی در آثار ابن اثیر، قزوینی رازی و حموی می‌توان مطالب فراوانی به دست آورد. از آن جمله؛ ابن اثیر و حموی به جنگ خونین بین شیعه و سنی در ری اشاره دارند، که تعداد زیادی از هر دو گروه بخصوص شیعیان کشته شدند. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۷، ۳۱۹، حموی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۱۷) و رازی نیز آورده: «در نواحی داخلی و مرکزی ایران و در شهرهایی چون؛ ری، اصفهان و قزوین، پیروان مذاهب اهل تسنن با همراهی حکام ترک حنفی و شافعی، به شدت با شیعیان درگیر و آن‌ها را مورد استخفاف و تعرض قرار می‌دادند». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۸۶)

در سال ۴۵۰ قمری به دستور سلطان طغرل، کتابخانه شاپور بن اردشیر، از وزرای شیعی حکومت آل بویه که بیش از ده هزار جلد کتاب در آن وجود داشت، به آتش کشیده شد. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۹، ۳۵۰) برخورد شدید آل بارسلان با یکی از سردارانش به نام دهخدا یحیی، به جهت انتصاب فردی از شیعیان به دبیری از دیگر موارد قابل ذکر می‌باشد. (طوسی، ۱۳۵۷، ۲۱۶) منابع از ادامه و شدت سخت‌گیری‌ها در روزگار ملکشاه و در زمان وزارت خواجه نظام الملک نیز خبر داده‌اند. خواجه نظام از

طرفداران سرسخت تسنن و فرقه شافعی بود و سخت‌گیری وی بر فرق شیعه به ویژه اسماعیلیان شهرت دارد. وی بنیانگذار مدارس نظامیه (با هدف دفاع از مذهب تسنن و گسترش عقاید اشعری و شافعی تاسیس شده) بود و بعد از عمید الملک کندی، لعن رافضیان را بر منابر همچنان جایز می‌شمرد. (براون، ۱۹۵۴، ۲۵۷) به تحریک ایشان، عالمان امامی مذهب ساکن ری را به منبرها می‌بردند و سرها برهنه کرده، نسبت به ایشان بی‌حرمتی و استخفاف می‌کردند. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۵۱) اما در دوره دوم حکومت سلجوقیان که با مرگ ملک‌شاه شروع می‌شود، شرایط شیعیان در وضعیت مطلوب‌تری قرار گرفت، به طوری که آنان به مناصب حکومتی نیز رسیدند. قزوینی بر نزاع میان حنفیان و شافعیان تصریح دارد و اختلافات میان فرقه‌های سنی را عامل مهم در کاهش قدرت آن‌ها و برتری شیعیان بر آنان دانسته است. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۳۷۶) نویسنده فضایح الروافض در مورد نفوذ شیعیان در این دوره می‌گوید: «در عهد سلطان برکیارق و سلطان محمد، ابوالفضل براوستانی و بوسعد هندوی قمی مستوفی بودند». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۸۱) وی می‌نویسد: «در هیچ روزگاری این قوت را نداشتند که اکنون دلیر شده‌اند و در دیوان‌ها همه ایشان‌اند و اکنون به عینه چنان است که در عهد مقتدر خلیفه بود». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۷۹)

در ادوار بعدی و به خصوص در عهد برکیارق و سلطان محمد، اوضاع سیاسی به نفع شیعیان تغییر کرد و علیرغم فشاری که اهل تسنن و به خصوص شافعی مذهب‌ان بر شیعیان اعمال می‌داشتند، دستگاه حکومتی چندان اصراری بر محدودیت شیعیان نداشت و به تدریج شیعیان توانستند نفوذ و جایگاه سیاسی و اجتماعی خود در شهر ری را احیاء کنند. این نفوذ به قدری بود، که کارکنان اداری و حتی کارکنان امور اجرایی رافضی بودند، استخدام این همه افراد شیعی بی‌تردید نمی‌توانست بی‌ارتباط با کادرهای بلند پایه اداری در رأس حکومت باشد، که آن‌ها لزوماً شیعی بوده‌اند، این موضوع باعث حسادت و کینه توزی سنی مذهب‌ان نسبت به شیعیان گردید و عناد و دشمنی اکثریت سنی مذهب‌ان جامعه اسلامی را نسبت به شیعیان در پی داشت. (راوندی، ۱۳۶۴، ۳۹۴)

در شهر ری علاوه بر شیعیان اثنی‌عشری، جمعیت اسماعیلی نیز حضور داشته (بنداری اصفهانی، ۱۳۶۵، ۷۵) و در میان قشرهای مختلف اجتماع نفوذ داشتند و که این موضوع حساسیت دولت را در پی داشت. در دوره ملک‌شاه و به تحریک خواجه نظام‌الملک، به قلاع اسماعیلیه حملات بسیاری شد که نتیجه‌ای در بر نداشت. (طوسی، ۱۳۵۷، ۲۰۶) بعد از ملک‌شاه، به علت اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی ناشی از اختلاف بر سر مسئله جانشینی میان برکیارق و محمد، اسماعیلیان توانستند با تصرف قلاع بیشتر، نفوذ خود را گسترش دهند؛ اما پس از روی کار آمدن محمد سلجوقی (۴۹۸-۵۱۱ ق /)

وضع برای اسماعیلیه دگرگون شد. سلطان محمد از دشمنان سرسخت اسماعیلیه بود؛ چنان‌که مؤلف زبده التواریخ از قول وی آورده است: «مرا هیچ کاری سخت‌تر از کار این طایفه نیست، لشکر و خزانه به یک بار صرف و خرج خواهم کرد. هیچ آرزویی ندارم، مگر دشمنی این قوم». (کاشانی، ۱۳۶۶، ۱۶۱) وی به قلاع اسماعیلیه حملات گسترده‌ای کرد و از آن‌ها کشتار بسیاری بر جای گذاشت. در دوران سلطان سنجر نیز حملاتی علیه اسماعیلیه صورت گرفت که نتایجی در بر نداشت. وی پس از آن‌که با تهدید جدی اسماعیلیان روبه‌رو شد و با توجه به مشکلات عمده‌ی دیگری مانند شورش غزها، با اسماعیلیه صلح کرد. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ۳۲۴) در عهد مسعود سلجوقی، امیر عباسی والی ری، به کشتار باطنیان پرداخت و از سرهایشان مناره‌ای ساخت و موزن بر فراز آن اذان گفت (حسینی، ۱۳۸۰، ۱۴۴) با این وجود، اسماعیلیان انسجام و وحدت خود را حفظ کردند.

در نقطه مقابل بین شیعه و سنی تعاملات و مراوداتی نیز وجود داشت، قزوینی رازی در مورد مراودات علمی بین شیعیان و جامعه تسنن از حضور شافعیان و حنفیان در مجالس شیعه خبر داده است. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۱۰۶) این امر می‌تواند بیانگر این نکته باشد که در شرایطی که از جانب دستگاه حاکمه هیچ همراهی و مساعدتی با شیعیان نمی‌شد، علمای آنها در مجالس بحث و مناظره شیعیان شرکت می‌کردند. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۳۷۲) حنفیان و شافعیان احترام خاصی برای ائمه (ع) قائل بودند تا جایکه علماء و ملوک حنفی و شافعی به زیارت حضرت معصومه (س) در قم و دیگر مراقد علویان در ری نیز می‌رفتند. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۵۸۸) در چنین فضایی که غلبه سیاسی با اهل سنت بود، شیعیان امامیه که عمدتاً در شهر ری بودند، برای حفظ و بقای خود در مقابل اهل تسنن سیاست محافظه‌کارانه‌ای را در پیش گرفتند. آن‌ها با تربیت عناصر فرهنگی و سیاسی، سعی در نفوذ در دستگاه اداری داشتند که این سیاست از فشارها و تهاجم‌های گسترده گروه‌های دیگر بر آن‌ها می‌کاست.

در سایه همین سیاست بزرگان شیعه از جمله: تاج الملک ابوالغنائم، رقیب خواجه نظام الملک و انوشیروان بن خالد کاشانی، وزیر مسترشد عباسی و مسعود سلجوقی، سعد الملک آبی وزیر سلطان محمدین ملکشاه و مجدالملک ابوالفضل راوستانی، رئیس دیوان استیفا در دربار سلطان برکیارق به مقامات حساسی دست یافتند. (بنداری، ۱۳۶۵، ۱۰۲، خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۲، ۵۰۰) تسامح شیعیان و برگزاری برخی از شعائر سنی نیز عامل مهمی بوده است، که نقش بسزایی در حفظ و کاهش شدت فشار بر شیعیان در ری داشت. در شرایطی که شیعیان در کنار فرق مختلف اهل تسنن زندگی می‌کردند و تقابل فرهنگی داشتند، اما در کتاب النقص، شواهد فراوانی وجود دارد که به نوعی تسامحی را در برخورد با سلاطین سلجوقی نشان می‌دهد. به طوری که پس از نام بردن از آن‌ها با رحمه الله علیه، به

نحوی رضایت خود را از آنان نشان داده است. در سایه سیاست تسامح و تساهل شیعه، مجدالملک در عهد برکیارق به وزارت رسید، و پس از سال‌ها وزارت و نفوذ گسترده، با توطئه برخی از امیران و با این بهانه که باطنیان اسماعیلی را به قتل امیران دولتی تحریک می‌کرده، به قتل رسید. (ابن فندق، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ۶۱۲، قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۲۸۰) در مجموع شیعیان در دوره سلجوقی، دو عصر متفاوت را سپری کردند؛ دوره اول که با سخت‌گیری سلاطین و علمای اهل سنت نسبت به شیعیان آغاز شد و از عصر طغرل شروع و تا پایان حکومت ملکشاه ادامه داشت. دوره دوم حضور شیعیان در ری بعد از ملکشاه آغاز شد و در این دوره از آزادی عمل بیشتری برخوردار و در مناسبات فرهنگی و سیاسی جامعه حضوری فعال داشتند.

تعارضات و درگیری‌ها درون مذهبی اهل تشیع

در دوره مورد بررسی، شیعیان امامیه و اسماعیلیه از نیرومندترین فرق تشیع بودند، این گروه‌ها رابطه چندان دوستانه‌ای با هم نداشته و هر کدام خود را به عنوان شیعه اصیل معرفی می‌کردند، موضوعی که باعث گردید در مواردی با یکدیگر دچار تضاد و تعارض شوند. اسماعیلیه علاوه بر ناسازگاری اعتقادی، بزرگ‌ترین خطر سیاسی برای سلجوقیان و تا حدی شیعیان امامیه محسوب می‌شد. با توجه به مواضع خصمانه تستن، در برابر اسماعیلیه، شیعیان امامیه برای در امان ماندن و کاستن از فشار و آسیب‌های اهل سنت، مجبور به اتخاذ موضع ثابت و مشخصی شدند و همراه با ایشان دست به اقداماتی علیه اسماعیلیه زدند. شیعیان امامیه، که در آن زمان بر مبارزه سیاسی با سلجوقیان تصمیمی نداشتند، از اسماعیلیه تبرا جستند. از سویی، بعضی از سنیان هم در تلاش بودند همه اشکال مذهب شیعه را در شمار اسماعیلیه قلمداد کنند. عبدالجلیل قزوینی برای اینکه بی‌ارتباطی باطنیان را با امامیان ثابت کند، شرحی مفصل در این رابطه آورده و حسن صباح را رهبر همه ملحدان می‌داند و به لعن آنان پرداخته است. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۴۷۵) شیعیان امامیه به منظور بیزاری‌جستن از اسماعیلیه، دست به تکفیر آنان می‌زدند. برای نمونه، خواجه امام ابواسماعیل حمدانی، اولین فتوا را برای کشتن ملاحظه داد. (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ۱۲۱)

در این دوره شاهد نوشتن ردیه‌های شیعیان امامیه علیه اسماعیلیان هستیم. (دفتری، ۱۳۷۶، ۲۳) گویا قدیمی‌ترین ردیه شناخته‌شده‌ی ضد اسماعیلی را فضل بن شاذان نوشته است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۸-۳۰۶). عبدالجلیل رازی از تلاش علمی خود در مواجهه با معتقدات اسماعیلیه یاد کرده و نوشته است:

«ما در مختصری که پارسال در جواب ملاحظه و ردّ شُبّه ایشان کرده‌ایم که از قزوین به ما فرستادند، شرح اسامی و القاب و انساب این مطعونان و مدعیان را داده‌ایم». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۴۷۵) شیخ منتجب‌الدین نیز از شیخ خلیل بن ظفر بن خلیل اسدی به عنوان فردی یاد کرده که دو کتاب جوابات الاسماعیلیه و جوابات القرامطه را تألیف کرده است. (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ۱۲۱) برگزاری مناظره‌های علمی از شیوه‌های دیگر تقابل شیعیان امامیه در برابر اسماعیلیان بود. این شیوه به‌ویژه در دوره‌ی دوم حکومت سلجوقیان متداول شد و حتی شخص پادشاه در جلسات مناظره حضور پیدا می‌کرد. (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ۳۶) کتاب مناظرات جرت بینة و بین الملاحده، اثر خواجه ابواسماعیل حمدانی، برگزاری جلسات مناظره شیعیان امامیه با اسماعیلیان را در این دوره تأیید می‌کند. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۱۹۳) شیعیان امامی در برابر اسماعیلیه دست به فعالیت‌های نظامی نیز زدند. عبدالجلیل قزوینی از مبارزاتی یاد کرده است که وزیرای شیعی و نیز برخی امیران شیعی در طبرستان در برابر ملاحظه، اسماعیلیه، داشته‌اند. (بنداری، ۱۳۶۵، ۱۰۳) قزوینی رازی نیز از فعالیت‌های نظامی شیعیان امامی علیه اسماعیلیه سخن گفته است. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۱۱۳) در منابع اطلاعات اندکی از حضور زیدیان در ری به چشم می‌خورد. تنها در کتاب النقض به وضوح از حضور زیدیان در ری خبر می‌دهد و می‌نویسد: «زیدیان در شهر ری مدرسه معروف دارند و فقهای بسیار بر این مذهب دارند». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۱۵۸)

تعارضات درون مذهبی اهل تسنن

باید توجه داشت که سلجوقیان پیرو مذهب اهل تسنن بودند و با تمام توان از آن حمایت می‌کردند. این سیاست مذهبی عمدتاً تابعی از سیاست وزیران بود، چنان‌که در آغاز حکومت سلجوقی، عبدالملک کندی بر آئین حنفی بود، سلاطین (طغرل و آلب ارسلان) و عموم مردم نیز بر این آئین بودند. کندی، در آغاز تمایلات شافعی داشت، پس از چندی از گروه جناح شافعی- اشعری که ریاست آن با امام موفق نیشابوری بود، جدا شد و با جناح حنفیان شهر مثل ابونصر احمد صاعدی و ابوعلی حسن بن علی صندلی خطیب حنفی، ائتلاف قوی و کارآمدی علیه شافعیان تشکیل داد. (حسینی، ۱۳۸۰، ۸۲) در برابر این اقدام کندی، علمای بزرگ شافعی مانند عبدالملک جوینی، ابوالقاسم قشیری و بوسهل نیشابوری واکنش نشان دادند، اما سلطان طغرل در حمایت از کندی فرمانی مبنی بر طرد و تبعید بزرگان معترض شافعی صادر کرد و آنان به وضعیت بدی گرفتار شدند. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ۳۲) عمادالدین ابومحمد حسن استرآبادی که از علمای بزرگ حنفی به شمار می‌رفت، به قضاوت شهر

ری منصوب گردید. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۱۵۳) با پایان حکومت سلطان طغرل و مرگ عمید الملک کندی و در آغاز سلطنت آلب ارسلان، خواجه نظام الملک به مقام وزارت رسید.

با روی کار آمدن وی و گرایش ایشان به مذهب شافعی، سلاطین سلجوقی نیز به مذهب شافعی گرویدند و آن را ترویج دادند و از نشر سایر فرقه‌های اهل تسنن جلوگیری نمودند. خواجه نظام بنای مخالفت با حنفی‌ها را در پیش گرفت و سعی در ترویج مذهب شافعی و جایگزین نمودن آن به جای مذهب حنفی نمود، سیاست سخت‌گیری و لعن شافعی - اشعری‌ها را کنار گذاشته و تبعید شدگان را به وطن بازگردانید، (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ج ۳، ۲۹۵، ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۹، ۱۹) موضوعی که سبب چالش و تعارض میان فرقه‌های اهل تسنن گردید. دوگانگی و شکاف مذهبی بین دو فرقه حنفی و شافعی، اگرچه در دوره بعد از حکومت آلب ارسلان ادامه یافت، اما در دوره سلطان ملکشاه دیگر از آن صلابت و سرسختی مذهبی زمان آلب ارسلان خبری نبود. خواجه نظام الملک سعی داشت آئین شافعی را بر آئین حنفی مسلط کند. (نیشابوری، ۱۳۲۲، ۳۱) بنابراین او نقش زیادی در سیاست مذهبی ملکشاه مبنی بر عدم سخت‌گیری مذهبی بر شافعیان ایفا می‌کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات سیاسی و مذهبی خواجه نظام الملک که به آتش اختلافات و رقابت‌های مذهبی انجامید، تأسیس یک سلسله مدارس مذهبی به نام نظامیه بود. (کسائی، ۱۳۶۳، ۶۹) علمای برجسته شافعی مورد حمایت خواجه نظام الملک در این مدارس شروع به تدریس و آموزش مذهب شافعی و کلام اشعری نمودند. (دوری، ۱۳۷۵، ۱۴۰)

خواجه نظام الملک بیم آن داشت که جناح حنفی دوباره در جامعه شکل گیرد و بر فعالیت‌های سیاسی دستگاه سلجوقیان اثر گذار شود، بنابراین به ایجاد مدارس نظامیه و پرورش علمای شافعی - اشعری اقدام نمود، تا دانش آموختگان این مدارس را وارد دستگاه دیوانی سلجوقیان نماید و بدین ترتیب نفوذ جناح شافعیان در ساختار دولت را تعمیق بخشد. با مرگ خواجه نظام الملک مکتب شافعی از رونق افتاد و پس از آن به تدریج نه تنها حنفیان، بلکه شیعیان نیز امکان ورود به ساختار قدرت را یافتند و رقابت در هم پیچیده‌تر شد. (بوئل، ۱۳۷۱، ج ۵، ۷۷) در دوره دوم حکومت سلجوقی، همزمان با سست شدن ارتباط سلاطین سلجوقی با نهاد خلافت، حاکمان سلجوقی مخصوصاً سلطان محمد تلاش فراوانی را به منظور رسمیت بخشیدن به حاکمیت مذهب حنفی دنبال نمودند. (قزوینی، بی تا، ۴۵۲، حلبی، ۱۳۸۴، ۵-۱۰۱) در این زمان حنفی‌های ایران با فاصله گرفتن از تعالیم معتزلیان، کلام ماتریدی را جایگزین اعتقادات معتزله در اصول مذهبشان نمودند و بدین ترتیب مذهب امام ابوحنیفه در پیوند با کلام ماتریدی جدیت مضاعفی با رقبای شافعی - اشعری خود در نواحی شرق ایران نشان داد. (قزوینی، بی تا، ۴۵۲، ۵-۱۳۸۴، ۱۰۱)

راوندی سهم شافعیان اشعری در دفاع از تسنن، خلافت و سلطنت سلجوقی را نه تنها نادیده می‌گیرد، بلکه آن‌ها را در ردیف رافضیان بد دین قرار می‌دهد و عامل به هم ریختگی امور دانسته و سقوط سلجوقیان، را نزد دبیران بد دین از این دو مذهب؛ (رافضی و اشعری) می‌داند. (راوندی، ۱۳۶۴، ۱۷) یکی از افرادی که مورد تعقیب و آزار و اذیت حنفی‌ها قرار گرفت، امام محمد غزالی بود، که در زمان قدرت اشاعره بر درس اصول استادش، امام الحرمین جوینی، تعلیمی به نام «المنخول من تعلیق الاصول» نوشت و در آخر همین کتاب چند صفحه‌ای، از مثالب مذهب امام ابوحنیفه آورده بود. هر یک از فرقه‌های سنی در ری مسجد جامع ویژه خود را داشتند و پای در مسجد جامع دیگری نمی‌گذاشتند. بنا به گفته رازی، حنفیان هرگز به جامع روده نماز نکنند و اقتدا به امام اشعریان نکنند و اشاعره اتفاق است که به مسجد حنفیان جماعت نکنند و علمای هر دو طایفه فتوا می‌کنند که در نماز هر یک در جماعت بدان دگر اقتدا روا نباشد کردن و چون حنفی اقتدا به شافعی نکند و شافعی مذهب اقتدا به حنفی روا ندارد. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۵۲) قزوینی بر نزاع‌های میان حنفیان و شافعیان تاکید دارد و می‌نویسد: «اهل ری، شافعی و حنفی‌اند. در میان شافعی‌ها عصبیت وجود دارد به طوری که در جنگ بین شافعیان و حنفیان، شافعیان با آن که کمترند اما بر حنفیان غلبه دارند». (قزوینی، بی تا، ۳۷۶) در زمان سلطنت مسعود بن محمد سلجوقی، گروه مقتدری از فرمانده‌های ترک متعصب حنفی، علمای شافعی شهر ری و سایر شهرهای بزرگ شافعی مذهب را مورد آزار و اذیت قرار دادند. به خاطر این موضوع، اهالی شافعی و اشعری مذهب شهر شورش کردند و گماشتگان حکومتی بسیاری را بگرفتند و به دار آویختند. (قزوینی، بی تا، ۴۸۶)

رکود معتزله

از مهمترین پیامدهای اختلافات مذهبی مسلمانان در این دوره در ری مخالفت با معتزله و سرکوب آنان بود. معتزله‌ای که معتقد به کاربرد عقل و استدلال عقلی در فهم احادیث و روایات و کتاب خدا بوده و به باطن دین توجه داشتند و در تفسیر مسایل دینی و مذهبی عقل را دخیل قرار می‌دادند. بر خلاف اشاعره که به ظاهر آیات و روایات توجه کرده و هرگونه برداشت و توضیح و تفسیر و دخالت عقل را در فهم امور دینی رد می‌کند. سختگیری علیه معتزله که اهل بحث و فکر و استدلال بودند از زمان متوکل عباسی شروع شد و شدت گرفت و تقریباً آنها را در معرض نابودی قرار داد. این شرایط سبب شد ریاضی دانان، فلاسفه، متکلمان و معتزلیان و نظایر آنها به کفر و الحاد متهم شوند و این فرصتی برای

روی کار آمدن اشاعره بود پس از چندی ترک‌های سلجوقی بر مسند سلطنت نشستند. در این دوره اهل سنت، محدثان، فقیهان و عوام متعصب فرصتی برای اذیت و آزار فلاسفه و حکما به دست آوردند (حلمی، ۱۳۹۰، ۴-۳۵۳) و بدین ترتیب معتزله یا اصحاب تعقل (خردگرایان) یا حتی آزاداندیشان (گیب، ۱۳۶۷، ۳۰-۱۲۹) تضعیف و سرکوب شدند، علمای اشعری با تألیفات بسیار، همه‌ی توان خود را در شرق ایران برای تکفیر سایر علما [به ویژه معتزله] و اثبات اشتباه فلاسفه به کار بردند. سیطره‌ی متکلمان اشعری نیز در عصر سلجوقی اول به دلیل حمایت سلاطین از آنها بسیار بود و در زمان حامی بزرگشان، نظام الملک، نفوذ دینی و اجتماعی آنها رو به فزونی بود (حلمی، ۱۳۹۰، ۳۵۳) بدین ترتیب جریان مخالف با عقل‌گرایی معتزله که از روزگار امام احمد حنبل (بنیان‌گذار مذهب فقهی حنبلی ۲۴۱-۱۳۴) شروع شده بود و با اقدامات ابوالحسن اشعری مؤسس کلام اشعری ادامه یافته بود به وسیله‌ی سختگیری‌های متوکل عباسی در همان قرن سوم هجری تقویت شده و سرانجام در روزگار ترکان غزنوی در نیمه‌ی دوم قرن چهارم و آغاز قرن پنجم و سلجوقیان در قرون پنجم و ششم، بر اثر اقدامات سلاطین سلجوقی و وزیر معروفشان خواجه نظام الملک طوسی و علما و فقهای وابسته به مذهب سنت و جمات شافعی و کلام اشعری تکمیل گردید به فراموشی رفتن معتزلیان و کلام معتزلی که مبتنی بر سنت عقلانی و خردورزی بود، سبب فراموشی و بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به اصحاب خرد و حکما، علما و شاعران خرد ورزی چون فردوسی طوسی در عصر محمود غزنوی و بعدها ناصر خسرو قبادیانی گردید، این گونه بود که چراغ علم به ویژه علوم عقلانی، ریاضی و طبیعی بتدریج رو به خاموشی رفت. (زیباکلام، ۱۳۷۴، ۳۷۵)

گسترش تصوف

از دیگر تأثیرات اختلافات مذهبی در این دوره در ری رشد چشمگیر صوفیان و عرفا بود، به شکلی که در قرون بعدی نقش بزرگی در تاریخ اسلام ایفا کردند. سابقه ظهور تصوف در خراسان به سده دوم هجری باز می‌گردد و ابراهیم ادهم که در حدود سال ۱۰۰ هجری در بلخ متولد شده بود، مؤسس مکتب تصوف خراسان است. در دوره سلجوقی تصوف با وجود صوفیان نامدار پایگاه برجسته‌ای یافتند. (فرای، ۱۳۶۳، ۴۰۱-۳۹۰) تصوف در این دوره از نیروی کششی بسیار قدرتمندی برخوردار شد و در لایه‌های گوناگون مردم بویژه در میان امرا و شخصیت‌های برجسته از جمله خواجه نظام الملک طرفدارانی پیدا کرد. (برتلس، ۱۳۷۵، ج ۲، ۳۴۴) نظام الملک در جوانی از مریدان شیخ ابوسعید ابی‌الخیر بود، وی

خانقاهای متعددی برای آنان ساخت و اموال زیادی به آنان اهدا کرد. (باسانی، ۱۳۶۶، ۳۸۶) صوفیان و عرفا در خانقاه‌ها و رباطها فعالیت و حتی زندگی می‌کردند و به تدریس و تهذیب و تزکیه و آموزش و پرورش شاگردان مشغول بودند. بسیاری از آنان کتاب‌های خود را در خانقاه‌ها و رباطها می‌نوشتند. این اماکن، در عصر سلجوقیان گسترش چشمگیری یافته بود. صوفیان در میان مشایخ، پیشه‌وران و بازرگانان نیز نفوذ داشتند، (برتلس، ۱۳۷۵، ج ۲، ۹-۳۳۷) اکثر این صوفیان شافعی مذهب بودند. (صفا، ۱۳۴۶، ج ۲، ۱۴۶) صوفیان دست به تألیف کتب متعددی از جمله رساله قشیری به زبان عربی زدند، که بعدها به فارسی نیز ترجمه شد. ابوسعید ابی‌الخیر نیز از صوفیان این دوره بود و خواجه عبدالله انصاری از عرفای بزرگ دوره آلب ارسلان بود، که کتاب مناجات او بسیار مشهور است. (رضازاده شفق، ۱۳۵۵، ۲۱۶-۸) همچنین باید از بابا طاهر عریانی همدانی، شیخ مشایخ مجدالدین ابوالفتح احمد غزالی، عین القضات همدانی و ... یاد کنیم، (صفا، ۱۳۴۶، ج ۳، ۵ - ۶۳۲) که هر کدام از مشایخ بزرگ این دوره بودند و صاحب آثار متعددی هستند. ابوحامد غزالی طریقت صوفیه را از هر گونه شبه‌هایی که فقها و متشرعه در باب آن نشر کردند، تنزیه و تطهیر کرد. اگر چه شیخ احمد غزالی [برادر امام محمد] و شاگردش عین القضات [همدانی] به علت افراط‌هایی که در اظهار شطحیات از آنها سر زد مورد سوءظن واقع شدند و عین القضات حتی به همین جهت به فتوای بعضی مفتیان عصر محکوم به قتل گشت. سلسله‌های بزرگ صوفیه که به وسیله‌ی نجیب‌الدین عبدالقاهر سهروردی، عبدالقادر گیلانی و شیخ نجم‌الدین کبری به وجود آمد طریقه‌ی تصوف را با وجود مخالفت متشرعه و مفتیان رواجی فوق‌العاده داد. در عین حال رواج تصوف اهل خانقاه و رونق کار فقهای اهل مدرسه به شدت موجب کساد و انحطاط بازار فلسفه و علوم عقلی گشت. (زرین کوب، ۱۳۸۶، ۴-۴۹۳) در کنار درگیریها و اختلافات شدید مذهبی این دوره اسلامی تصوف در قرون ششم و هفتم هجری گسترش بسیار یافت، جریانی که از آن به عنوان آفت بزرگ علوم عقلی به ویژه فلسفه و استدلال یاد کرده‌اند.

نتیجه

ری همواره بعد از ورود اسلام به ایران شاهد حضور گروه‌های مختلفی از فرقه‌های اسلامی بود که همواره با یکدیگر درگیر بودند. باید اعتراف کرد در طول تاریخ هرگاه این اقوام گردهم آمده‌اند عوامل شکل دهنده‌ای که قوام جوامع آن‌ها را شکل می‌داده بسیار است. اما با نگاهی گذرا هم می‌توان فهمید که بزرگترین عامل همبستگی و تعاون جامعه ایران دین و مذهب بوده است. رسمی شدن مذهب سنی

موجب شکوفایی و ادامه بی‌رویه اجرای آن توسط حکام سنی و عمال مذهبی باعث زوال آن در این شهر شد و جای خود را کم کم به مذهب تشیع داد. یکی از مهمترین دوره‌های تاریخی ایران زمین که ما با نوعی از تنازع و تا حد خیلی کم تسامح مذهبی روبرو هستیم عصر سلاجقه در ایران است. ترکان سلجوقی با هدف دستیابی به قدرت برتر، خود را درگیر مباحث مذهبی کردند. آنان هر چند در ابتدا به بهانه حمایت از سنی‌ها به قدرت رسیدند، اما افراط بیش از اندازه در این موضوع و سختگیری‌های شدیدی که بر غیر سنی‌ها مخصوصاً شیعیان اسماعیلی در دوره اول حکومتشان وارد کردند باعث شد خود و جامعه را سرگرم نزاع‌های مذهبی کنند در نظر سلاطین سلجوقی و وزرای آنان، احیای قدرت معنوی خلیفه با کمک اهل تسنن و شدت عمل در مورد شیعه ممکن می‌شد؛ به همین دلیل سختگیری‌های مذهبی از همان آغاز حکومت سلجوقی شروع شد و راه افراط پیمود. مسلماً پس از محکم شدن جای پای اهل تسنن نوبت به برتری‌جویی‌های پیروان فرق مختلف مذهب تسنن نیز می‌رسید. پس برخوردهای درون مذهبی نیز به اختلافات برون مذهبی آنان اضافه شد. البته باید در نظر داشت که در دوره سلجوقی، شیعیان ری از نظر تعداد، گروهی مطرح به شمار می‌آمدند. و می‌توانستند خطر جدی‌تری برای خلیفه و حامیان سیاسی آنان باشند در این دوره با عملکرد گسترده‌ی اسماعیلیان روبه رو هستیم که مقابله‌ی مسلحانه در پیش گرفته بودند. ترکان سلجوقی، هرگاه در گیرودار اختلافات فرصتی مناسب می‌یافتند، به قلع و قمع پیروان مذهب‌ها و فرقه‌های رقیب می‌پرداختند و مناقشات مذهبی به مثابه حرب‌های برنده در دست صاحبان علم و صاحب منصبان درباری و دیوانی قرار گرفت. آنان با توسل به حربه‌ی تهمت، افترا یا دسیسه و توطئه چینی، رقبای علمی و سیاسی خود را از میدان به در می‌بردند. این جریان‌ها از یکسو منجر به مخالفت با معتزله و رکود علوم عقلی و قدرت یابی اشاعره در جامعه و از طرفی منجر به رشد تصوف گردید و صوفیان به دور از هیاهو زمینه‌های گسترش خود را فراهم کردند.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین؛ الکامل فی التاریخ، علمی، تهران، بی تا، ۱۳۶۸.
- ابن عماد حنبلی؛ شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان؛ المنتظم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
- ابن فندق، ابوالحسن علی بن ابوالقاسم بیهقی، لباب الانساب و اللقب و الاعقاب، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
- ابن بابویه رازی، منتجب الدین علی؛ الفهرست، تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۶.
- باسانی، الساندرو؛ دین در دوره سلجوقی، تاریخ ایران کمبریج پنجم، (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان)، گردآورنده: جی. آ.
- باسورث، ادموند گلفورد؛ تاریخ غزنویان، به کوشش حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی؛ زبده النصره و نخبه العصر، به کوشش محمدحسن جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۵.
- براون، ادوارد؛ تاریخ الادب فی ایران من الفردوسی الی سعدی، به کوشش ابراهیم امین شورابی، مصر، السعاده، ۱۹۵۴.
- برتلس، بوگنی ادواردویچ؛ تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، هیرمند، ۱۳۷۵.
- بویل، ج. آ؛ تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، به کوشش حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- حلبی، علی اصغر؛ تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳.
- حموی، یاقوت؛ معجم البلدان، به کوشش علی نقی منزوی، تهران، میراث فرهنگ، ۱۳۸۳.
- حلبی، احمد کمال الدین؛ دولت سلجوقیان، ترجمه‌ی عبدالله طاهری ناصری، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- حلمی، کمال الدین؛ دولت سلجوقیان، به کوشش عبدالله ناصری طاهری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- حسینی، ابوالحسین علی بن ناصر؛ زبده التواریخ، تهران، بی تا، ۱۳۸۰.
- خواندمیر؛ تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲.
- دفتری، فرهاد؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه‌ی فریدون بدره ای، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۶.

دوری، عبدالعزیز و دیگران؛ «مقاله بغداد در چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی، به کوشش اسماعیل دولت‌شاهی، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.

راوندی، محمد بن علی بن سلیمان؛ راحه‌الصدور و آیه السرور، به کوشش محمد اقبال، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.

رضازاده شفق، صادق؛ تاریخ ادبیات ایران، شیراز، چاپ دوم، دانشگاه پهلوی (دانشگاه شیراز)، ۱۳۵۵.

زرین کوب، عبدالحسین؛ جستجو در تصوف ایران، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶.

زیباکلام، صادق؛ ما چگونه ما شدیم؟ ریشه یابی علل عقب ماندگی ایران، تهران، روزنه، ۱۳۷۴.

صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۶.

طوسی، خواجه نظام‌الملک؛ سیاست‌نامه، به کوشش مرتضی مدرس، تهران، زوار، ۱۳۵۷.

غزالی طوسی، ابوحامد؛ مکاتیب فارسی، به کوشش عباس اقبال، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

فرای، رن؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلجوقه (کمبریچ ۴)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

قلی‌زاده، محمدرضا؛ منازعات فرقه‌ای و تحول مذهبی در ایران از امام الحرمین جوینی تا خواجه نصیر الدین طوسی، تهران، نشر حبیب، ۱۳۸۸.

قزوینی رازی، عبدالجلیل؛ النقض، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود؛ آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت، دارصادر، بی تا.

قمی، شیخ عباس؛ فوائدالرضویه، بی جا، انتشارات مرکزی، بی تا.

قوامی رازی؛ دیوان قوامی رازی، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، سپهر، ۱۳۳۴.

کاشانی، جمال‌الدین محمد؛ زبده‌التواریخ، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.

کسائی، نورالله؛ مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

گیب، هملیتون؛ اسلام بررسی تاریخی، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

لمبتون، آن کاترین سوابین فورد؛ تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.

مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر؛ تاریخ گزیده، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹.

نجاشی، ابوالعباس؛ الرجال، قم، بی تا، ۱۴۰۷ ق.

نخجوانی، هندوشاه؛ تجارب السلف، تهران، طهوری، ۱۳۵۷.

نیشابوری، ظهردین؛ سلجوقنامه، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۲.

یافعی، عبدالله بن سعد؛ مرآة الجنان و عبرة الیقظان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.